

جاودانگی حضرت امام قدس سره

رسول منتجب نیا

انسان و تاریخ

در جهان بینی توحیدی اسلام، افراد انسان سازنده تاریخ و حوادث آن می باشند، و تاریخ چیزی نیست بجز ظرفیت زمانی حضور و نقش و تحرك افراد انسان، و ماتریالیسم تاریخی و اینکه انسان مولود و معلول حوادث تاریخ و شرائط مختلف اجتماعی است از دیدگاه عقل و منطق مردود و از نظر اسلام و همه ادیان آسمانی مطرود می باشد.

انسانهای جاودانه

هر چند افراد انسان با رسیدن مرگ طومار زندگی و حیات مادیشان پیچیده شده و دیگر از تحرك، رفت و آمد، سرو صدا و گفت و شنود و... آنها اثری بچشم نمی خورد و لکن در میان آنها کسانی هستند که نه تنها با مرگ آثار وجودی آنان محو و نابود نمی شود بلکه پس از مردن پرده ها کنار رفته و ابعاد وجودی آنها و اثار و ثمرات حیاتشان شناخته می شود و گویی حیات و زندگی ورشد و شکوفائی آنان پس از مرگشان می باشد.

جاودانگی شهیدان

در قرآن کریم بارها صحبت از جاودانگی شهدای راه خدا شده است و آنها را جزء «مردگان» محسوب کردن و اساساً اطلاق کلمه میت^(۱) بر آنها ممنوع اعلام شده بلکه آنان که زندگانی جاودانه شهیدان را منکرند به قندان درک^(۲) و شعور حقیقی محکوم شده اند و علاوه بر شهدا انسانهایی را تاریخ یاد دارد که با گذشت قرنها از مردنشان همچنان زنده مانده اند بلکه روز بروز با شکوفائی عقل و پیشرفت علوم و تکنولوژیهای بشر شکوفاتر و جذاب تر می شوند شخصیتهایی نظیر شیخ مفید- شیخ صدوق- شیخ الرئیس بوعلی سینا- صدرالمالین و... را می توان از آن جمله انسانهای والا دانست.

پیامبران و انسانهای همیشه جاوید

همه انبیاء عظام الهی از معدود انسانهایی هستند که برای آنها مرگ و حیات در بقاء و جاودانگی یکسان بوده و گویا تاریخ بشر بآنها پیونده خورده است و هرگز فراموش نخواهند شد. زیرا آثار حیات و سیرکات زندگی آنان هر روز شکوفاتر شده و انسانیت در هر دوره با ابعاد شخصیت و وسعه وجودی آنها آشناتر می شود و در حقیقت آن برگزیدگان الهی سازندگان تاریخ بشری باشند و در کنار تاریخ در همه دوره ها باقی می مانند.

پیامبران اولوالعزم

در میان انبیاء الهی پیامبرانی که دارای کتاب و شریعت بوده و اصطلاحاً آنها را «اولوالعزم» می نامند چون نوح- ابراهیم- موسی- عیسی و محمد بن عبدالله (ص) بدلیل داشتن مکتب و مرام و دستورالعملهای ویژه از جلوه و درخشش بیشتر و از جدابیت فوق العاده ای برخوردار هستند.

ابراهیم خلیل در تاریخ

اگر چه در میان پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله (ص) اشرف و اکمل و خاتم آنها بوده و دین و آئین اسلام پایان بخش ادیان آسمانی و کاملترین آنها و عبارت دیگر اوج کمال ادیان الهی می باشد، و لکن با مطالعه قرآن و تاریخ انبیاء می بینیم ابراهیم خلیل بعنوان پایه گذار و مبدأ فرهنگ ابدی و مکتب متعالی «توحیدی» و «بت شکن تاریخ» و دیگر گون کننده سیر حرکت تاریخ بشر مطرح است و همه انبیاء پس از او حتی شخص رسول گرامی اسلام (ص) ادامه دهنده راه او و مکمل مرام او می باشند.

ابراهیم در قرآن

شاید بشود گفت هیچک از پیامبران الهی در قرآن کریم باندازه ابراهیم خلیل مطرح

نشده و در باره زندگی و نقش حیات آنان در حد «ابراهیم» بحث نشده است- گاهی ابراهیم بعنوان جوانی که با تنها سرپرست و پدر خوانده خود «آزر» تنها بدلیل بت پرستی او مبارزه را آغاز کرده و از او جدا می شود و راه تنهایی و اعتزال را برمی گزیند^(۳)- زمانی در حال محاجه و گفتگو با ستاره پرستان و ماه و خورشید پرستان از او یاد می شود و برهان قاطع و منطق رسا و استدلال کوبنده او^(۴) مطرح می گردد در جایی از قرآن، داستان برداشتن تبر و شکستن بتهای بتخانه و سرانجام اجرای توطئه نافرجام سوزاندن^(۵) ابراهیم در صحرای آتش بوسیله سران کفر و شرک بازگویی می شود و در مواردی ماجرای هجرت ابراهیم و فرزندش و اسکان او در بیابان خشک و سوزان حجاز بیان^(۶) می شود. گاهی از ساختن بیت الله الحرام توسط او ذکر بمیان می آید^(۷) و در چند مورد داستان آزمایش عظیم الهی او و رسیدنش بمقام والای امامت مطرح می شود و...

ابراهیم خلیف

از همه جالبتر آنکه قرآن کریم به بیان اندیشه^(۸) آرمان و مرام ابراهیم خلیل پرداخته و آنرا از هر گونه گرایش انحرافی میرا دانسته و دست افرادی که به غلط آن شخصیت والای تاریخ را از خود و تابع مرام و آئین خود می دانند کوتاه می کند و می فرماید، ابراهیم نه یهودی و نه نصرانی بلکه او خلیف مسلم^(۹) بود و از مشرکین نبود. و در برابر آنها که می گفتند اگر بخواید براه خدا هدایت شوید باید که یهودی و یا نصرانی باشید. و می فرماید: بل ملة ابراهیم خلیفا و ماکان من المشرکین^(۱۰).

ابراهیم و ملت او

خداوند متعال در قرآن ابراهیم را صاحب «ملت»^(۱۱) معرفی می کند، یعنی صاحب فکر و ایده و آئین و مرام و مکتب و ویژه الهی، و دارای یسک جریان فکری نورانی و خدا پسندانه، آنهم مکتبی که «خلیف»^(۱۲) است و کمترین تمایل و گرایش به انحرافات و افراط و تفریط (با اصطلاح شرق و غرب- چپ و راست) در آن مشاهده نمی شود.

تکرار کلمه «ملت» در مورد ابراهیم خلیل و میرا دانستن آن از هر گونه انحراف و تکیه نمودن روی کلمه «خلیف» در قرآن کمال صحت و سلامت راه ابراهیم و خطر مشی و روش او و مکتب و فرهنگ خدائی آنحضرت را بیان می کند.

پیروان ابراهیم

حضرت محمد بن عبدالله (ص) با آنکه اشرف انبیاء هستند و مومنان تاریخ بعنوان پیروان راه ابراهیم خلیل و ادامه دهندگان^(۱۳) آن نهضت توحیدی در تاریخ بشر معرفی می شوند، و ملاک در نزدیکی با ابراهیم و ارتباط با آن حضرت همان تبعیت از مرام و آئین او معرفی می گردد که پیامبر گرامی اسلام و پیروان آنحضرت از همه با ابراهیم خلیل نزدیکتر و سزاوارترند^(۱۴)- چنانکه متحرقات از آئین او بعنوان افراد سبکسر، زیانکار و ناگاه مطرح می شوند.

ابراهیم جاودانه تاریخ

بنابر این علیرغم گذشت هزاران سال از زمان حیات ابراهیم خلیل و با وجود بعثت پیامبران اولوالعزم الهی پس از او، ابراهیم خلیل برای همیشه زنده و جاوید بوده و مکتب او، آئین حیات بخش او ابدی و پایدار است و فرهنگ توحیدی او زمینه ساز تحولات بعدی در تاریخ بشر بدست پیامبران مرسل و امامان معصوم و رهبران صالح و الهی انسانیت می باشد.

رمز جاودانگی

دلیل بر همیشگی بودن ابراهیم و آتین او همان عمق فطری بودن و صحت و سلامت منطقی و مکتب او، و اوج کمال و عظمت و پارسائی و وارستگی آن حضرت و نقش عمیق و وسیع او در تاریخ بشر و تحول عظیمی که در مسیر حیات بشر بوجود آورده است می باشد. و چون او طرح نوی آورد و همیشه طرح او و مکتب او جدید و تازه است، بنابراین این مرگ و نابودی، زوال و اضمحلال، و بدست فراموشی سپرده شدن برای او هرگز مطرح نخواهد بود. ابراهیم متعلق به انسان است نه یک نسل و نه یک عصر و دوره‌ای از تاریخ، تا انسان زنده است، ابراهیم هم زنده است بالاتر بگویم تا خدا هست ابراهیم هم خواهد بود.

حسین بن علی (ع) و نهضت او

در میان امامان معصوم (ع) که هم امامان انسانیت و همیشه زنده و جاوید بوده و برای همه دوره‌های تاریخ بشر مطاع و پیشوا و منبع خواهند بود، حضرت اباعبدالله الحسین (ع) بدلیل ویژگی خاص زندگی آنحضرت و نقش عمیق و عظیم نهضت مقدس او در تاریخ بشریت از جلوه خاص و درخشش ویژه‌ای برخوردار خواهد بود و بهمین دلیل مبدأ و منشأ و زمینه‌ساز هرگونه نهضت و قیام اسلامی و حرکت آزادیبخش توحیدی می باشد.

امام خمینی، انسان ممتاز

در بیش از ده قرن که از غیبت کبری حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء می گذرد در میان آن خیل عظیم علماء بزرگ، فقهای عظیم الشان، مصلحان و الامام و چهره‌های انقلابی و تاریخی، شخصیتی چون ماه فروزان می درخشید و دیده‌های انسانها را بخود جلب می کند بطوریکه انسان بی اختیار با او افکار و اندیشه و الایش و روح عظیم و بزرگش عشق می ورزد و هر مصلح و تاریخی و انقلابی در جهان خود را در برابر او حقیر و ناتوان می پندارد، امام خمینی (قدس سره) مردی است از تبار ابراهیم و از فرزندان رسول گرامی (ص) و از ذراری حسین بن علی (ع) که خداوند متعال آنچه لازمه کمال و سعادت یک انسان (غیر معصوم) است بوی عنایت فرموده است و از همه مهمتر با او توفیق بهره‌برداری صحیح و کامل از همه استعدادها و وجودی خویش و رشد و شکوفائی لازم جوهر هستی خود مرحمت کرده است، او انسانی است برتر، و یقیناً بعد از امامان معصوم تاکنون چنین شخصیتی با این جامعیت و کمال در تاریخ ظهور ننموده و شاید در آینده هم یافت نشود.

مکتب امام خمینی

حضرت امام خمینی، همانطور که بنیانگذار نهضت مقدس اسلامی در عصر حاضر بود و توفیق به پیروزی رساندن آن و پایه‌ریزی یک نظام حکومتی نوین اسلامی بر پایه ایدئولوژی اسلامی و مبانی اعتقادی، اخلاقی و فقهی بدست آورد و همچنانکه بیش از ده سال این انقلاب اسلامی و جهانی را در سراسر جهان حاضر و نظام جمهوری اسلامی ایران را به احسن وجه و باروشی پیامبرگونه و بدیع و بی نظیر رهبری و امامت فرمود، توفیق بزرگتری از جانب خداوند متعال بدست آورد و آن ادامه یک فکر جدید و یک ایده نوین و ساختن یک مکتب و مرامی تازه که در عین جامع بودن آن نسبت به تمامی ابعاد و ویژگیهای لازم و در بر گرفتن همه خصوصیات یک راه و روش انسان ساز و تأمین کننده سعادت دنیوی و اخروی و بشری و تضمین کننده پیروزیهای انسان بر همه جهالتها، بدبختی ها، انحرافات، عوامل سقوط در دنیا و آخرت، همه ابعاد و جوانب آن بر پایه عقائد صحیح و فرهنگ اسلام مبتنی شده و از آیات و روایات صحیح و معتبر اسلامی و از سنت و روش زندگی ابراهیم خلیل و رسول گرامی اسلام و امامان معصوم استنباط و استخراج شده است.

این بزرگترین هنر حضرت امام خمینی (قدس سره) بود زیرا در زمانی که اسلام در اوج مظلومیت و غربت بسر می برد و سیل انحرافات و پیرایه‌ها و افکار و اندیشه‌های غلط و انحرافی از هر سو بطرف اسلام این آتین پاک حضرت محمد (ص) و این مکتب حنیف ابراهیم خلیل، هجوم آورده و بسیاری از مفاهیم، ارزشها و حتی واژه‌های آنرا دستخوش خود قرار داده بودند و برآستی که «از اسلام جز اسمی و از قرآن جز رسمی» باقی نمانده بود، این «انسان برتر» و این «ابراهیم عصر» و این «فریادگر قرن» و خلاصه این ادامه



دهنده راه ابراهیم بت شکن قیام کرد و اسلام ناب محمدی (ص) را از زیر خوارها تحریف و زنگار تاریخی بیرون کشید و حیات مجدد بخشید و از همه مهمتر آنکه توانست آنرا بصورت «نظام حکومتی» و دین حاکم بر تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه مطرح نماید و نظامهای فرهنگی - سیاسی - اقتصادی و نظامی آنرا بشکلی بی نظیر و جذاب ارائه کند.

بنابر این، همانطور که ابراهیم بعنوان یک ملت و مکتب در طول تاریخ بشر مطرح است و همه انبیاء و اولیاء و مؤمنان تاریخ پس از او، ادامه دهنده راه او و احیاء کننده مرام او می باشند، حضرت امام خمینی نیز بصورت یک فرد، یک عالم، یک مرجع و یک رهبر مقطعی از تاریخ مطرح نیست بلکه بعنوان یک رهبر جاودانه تاریخ، یک فکر و اندیشه پایدار و یک مکتب و فرهنگ ابدی و همیشگی تا آخرین روز دنیا، محسوب می شود.

خمینی بت شکن

همانطور که امام خمینی در زمان حیات خود بتها را شکست و با بیان رسا و منطقی کوبیده و افشاگر خویش در جهان زلزله‌ای ایجاد کرد و در تاریخ انسان تحول جدیدی پدید آورد، چهره‌های کفر آلود و مشرک و راههای انحرافی و شرک آمیز را افشا نمود، مکتب او راه و تفکر او برای همیشه بت شکن است و افشاگر و روشنگر. در سطح جهان قدرتهای استکباری را متزلزل و سرانجام نابود می کند و در داخل و خارج چهره‌های فریبنده جهان متسک و علماء متهنک و فرصت طلبان از خدا و حقیقت بی خیر را بر می اندازد و حقیقت اسلام و عدالت را مستضعفین و محرومین عصرها را بقیام علیه دشمنان برمی انگیزد و به حقوق حقه خود می رساند.

امام خمینی متعلق به انسان است

هر چند حضرت امام خمینی (قدس سره) در قرن حاضر زندگی کرد و قریب یکسال قبل روح بلند و پرتقو ایشان از میان ما رخت بریست و به ملکوت اعلی شتافت و مخاطب ایشان امت مسلمان عصر حاضر و ملت‌های معاصر بودند، ولیکن آن شخصیت عظیم انسانی متعلق و وابسته به یک ملت و یک نژاد و یک عصر نبوده بلکه متعلق به همه انسانها و نسلهای آینده می باشد زیرا که خداوند ایشان را برای تجدید حیات انسان و تحول در نوع بشر آفرید و در حقیقت مخاطب امام همه انسانهای معاصر و نسلهای آینده است.

چنانچه انقلاب اسلامی «اسام» متعلق به یک ملت و یک عصر نداشته و یک حرکت خدائی و جریان الهی برای طول تاریخ بشریت است و بهمان نسبت که انسان معاصر از این انقلاب جهانی اسلام سهمی دارد نسلهای آتی نیز سهمی خواهند بود و همانطور که امام و روح بزرگش و آرمان مقدس او این نسل را بخود جذب کرده و در انسانها از ملیتهای مختلف عشق، شور و حرکت آگاهانه ایجاد نموده است همچنین نسبت به نسلهای آینده

این حرکت را بوجود خواهد آورد.

بنابر این در حقیقت امام نمرده است که او زنده و جاودانه همیشگی است و به فرمایش مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای «امام خمینی زنده است تا اسلام ناب محمدی (ص) زنده است» و بر مکتب و خط و مرام او مهر ابدی و جاودانگی خورده است چنانچه نسبت به مکتب انبیاء و معصومین (ع)، زیرا که امام هر چه داشتند و بیان نمودند همه از تعالیم نورانی آنها و مکتب پرفیض آن حضرات بوده است.

توجه امام به جاودانگی انقلاب

حضرت امام کراراً نسبت به ضرورت حفظ انقلاب و اصول و ارزشهای آن و صدور آن به سراسر جهان، و نیز به لزوم انتقال آن نسل بعد نسل بآیندگان تأکید فرموده‌اند، که از باب نمونه چند فراز آن ذکر خواهد شد.

(۱) - آری شعار نه شرقی و نه غربی ما شعار اصولی انقلاب اسلامی در جهان گرسنگان و مستضعفین بوده و ترسیم کننده سیاست واقعی عدم تعهد کشورهای اسلامی و کشورهایی است که در آینده نزدیک و بیاری خدا اسلام را بعنوان تنها مکتب نجات بخش بشریت می پذیرند و ذره‌ای هم از این سیاست عدول نخواهد شد و کشورهای اسلامی و مردم مسلمان جهان نباید وابسته به غرب و اروپا و آمریکا و نه وابسته به شرق و شوروی باشند که انشاء الله بخدا و رسول خدا و امام زمان وابسته‌اند و بطور قطع و یقین پشت کردن باین سیاست بین المللی اسلام پشت کردن بآرمان مکتب اسلام خیانت به رسول خدا و ائمه هدی است و نهایتاً سرگ کشور و ملت ما و تمامی کشورهای اسلامی است و کسی گمان نکند که این شعار مقطعی است که این سیاست ملاک عمل ابدی مردم ما و جمهوری اسلامی ما و همه مسلمانان سرتاسر عالم است. چرا که شرط ورود به صراط نعمت حق برائت دوری از صراط گمراهان است که در همه سطوح و جوامع اسلامی باید پیاده شود. (مشور اول انقلاب اسلامی)

(۲) - در وصیت نامه سیاسی الهی خود در ابتدا فرموده‌اند: و آنچه لازم است تذکر دهم آنست که وصیت سیاسی الهی اینجانب اختصاص بملت عظیم الشان ایران ندارد بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد. . . و نیز فرموده‌اند: اینجانب روح الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مایوس نیستم و زاده‌وار پرخطر همان دلیستگی بکریم مطلق است بعنوان یک طلبه حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید باین انقلاب و بقاء دست آوردهای آن و بشمر رسیدن هر چه بیشتر آن دارم بعنوان وصیت به نسل حاضر و نسل های عزیز آینده مطالبی هر چند تکراری عرض می نمایم و از خداوند بخشاینده می خواهم که خلوص نیت در این تذکرات عنایت فرماید. و در پایان وصیت نامه می فرمایند: «... و امید آن دارم که بفضل خداوند متعال این معانی انسانی بسا عقاب ملت منتقل شود و نسل بعد نسل بر آن افزوده گردد. . .» و دهها مورد دیگر که حضرت امام تصریح فرموده‌اند که این انقلاب اسلامی عرضاً متعلق به همه نسل حاضر از همه اقوام و ملیتها است و طولاً هم به تمامی نسلهای انسان در تمام اعصار تعلق دارد.

ضرورت حفظ انقلاب اسلامی

وظیفه مهمی که بر عهده طلابه‌داران انقلاب اسلامی و دست پروردگان و معاصران امام بزرگ است حفظ و حراست از انقلاب اسلامی، یعنی حفظ اصول انقلاب و ارزشهای فرا آمده از خاستگاه انقلاب و نگرهبانی از حریم خط نورانی امام عزیز و مبارزه با هرگونه دشمنی و خصومت و تحریف و تزویر در برخورد با آن خط نورانی است و این مفاد آیه شریفه «ان الله یامرکم ان تودوا الامانات الی اهلها» و لازمه ایمان یعنی «امانت داری» است.

ذوب و فانی شدن

و چنانچه در راه پیدایش، رشد و بشمر رسیدن انقلاب دهها هزار انسان فداکار و ایثارگر جان خود را سپر قرار دادند و خون خویش را پای این نهال مقدس ریختند، در راستای حفظ و حراست از انقلاب اسلامی و خط امام باید عاشقان و مریدان و «امت» امام سینه‌ها را در برابر هر حمله و هجوم سپر قرار داده و تا پای جان و ایثار خون خویش از آن نگرهبانی



نمایند، زیرا چنانچه پیروزی انقلاب با خون عزیزان تحقق یافت حفظ آنهم با خون نسل حاضر و آینده عملی است
توطئه حذف امام و خط او

در دنیای حاضر احساس می شود جریانی بوجود آمده و در جهت حذف و کنار گذاشتن امام و آرمانهای مقدس و خط نورانی او تلاش می کند، و بعنوان مختلف، رفته رفته و آرام آرام زمینه را برای نیل بآن مقصد شوم فراهم می سازد. و از هر وسیله‌ای در این جهت استفاده می نماید. و متأسفانه بصورت موزیانه با طرح تقابیل بین رهبری رهبر معظم انقلاب اسلامی و وجود آرمانهای مقدس و خط نورانی امام باین توطئه دامن زده می شود در صورتیکه نه تنها تصور تقابیل غلط و انحرافی می باشد بلکه حضرت آیت الله خامنه‌ای خود را شاگرد و دست پرورده و پرورش یافته مکتب پرفیض امام عزیز می دانند و حفظ و حراست از آن سرچشمه فیاض را لازم و ضروری بر همه اعلام فرموده‌اند.

جریان متشکل براندازی

چنانچه گفته شد ایده حذف امام و آرمان های او بصورت فرد نباید مطرح شود بلکه بطور جریانی خزنده و توطئه‌ای مرکب و منسجم در زمان ما تحت بررسی و اجرا است و آثار و علائم آن کراراً مشاهده شده است، این جریان دارای ابعاد وسیع و اعضاء و شرکاء مختلفی است که بآنها اشاره خواهد شد:

- ۱- استخبار جهانی و دستگاههای جاسوسی و سیاسی آن (سی. آی. او. کا. گ. ب) که همواره برای کوتاه و درازمدت مسائل انقلاب را بررسی و تحلیل نموده و تلاشی در جهت شکست و یا انحراف در انقلاب اسلامی می نمایند.
- ۲- عوامل داخلی استخبار و گروهکهای چپ و راست و التقاطی که رسالتی جز حفظ و حمایت از منافع استخبار جهانی ندارند.
- ۳- ترکش خورده‌های از انقلاب و خط و مکتب امام، چه آنها که در اثر ارتکاب جرائم مجازات شده‌اند و چه کسانی که در اثر انحرافات و لغزشهای فکری و عملی مورد عتاب و سرزنش و احیاناً طرد امام عزیز قرار گرفتند.
- ۴- سرمایه‌داران بزرگ و مرفهین بی درد که بدست امام عزت و قدرت نامشروع و یا بخشی از اموال خویش را از دست داده‌اند.

خویش در آوردن می باشند و اجازه نمی دهند فکر و اندیشه مخالف آنها کمترین موقعیت و کوچکترین قدرت را در اختیار داشته باشد.

۹- طرفداران اسلام آمریکائی و سرمایه داری، چه در داخل کشور و چه در خارج آن. و عجیب آنکه در بسیاری از موارد همه یا برخی از آن گروهها و اعضاء جریان توطئه آمیز فوق بر سر هدفی مشترک هماهنگ شده و نقطه واحدی را دنبال می کنند.

و اینجاست که بر همه پیروان خط مقدس و نورانی امام از مقام معظم رهبری تا سایر مسئولان و آحاد ملت حزب الله لازم است در برابر این توطئه شوم و خطرناک که با حیات و آرمانهای انقلاب اسلامی بازی می کند هشیارانه برخورد نموده و با تمام قدرت دست بدخواهان را از حریم مقدس روح انقلاب و حقیقت و حیات واقعی انقلاب کوتاه کنند که ان نصر الله بنصرکم و یثبت اقدامکم.

۵- عالمان متعصب، و دانشمندان و روحانیون بی تمهد و بی تقوا که در برابر خورشید تابان وجود امام جرات اظهار وجود و مقابله نداشته و به نق زدن و سکوت و انتظار اکتفا کرده بودند.

۶- جاهلان متعصب و مقدس نماها که چهره زشت آنها از پشت ظواهر فریبنده افشاء شده و مردم متوجه دامها و فریبههای آنان شده اند، و لکن افکار متحجرانه و اندیشه های انحرافی آنها همچنان باقی است و در انتظار شرایط بروز و ظهور است.

۷- فرصت طلبها و اتباع کل ساعتی میمون مع کل ریح، که همواره جهت وزش باد را سراغ می گیرند و بطرف قدرت تمایل دارند و برای آنها حقیقت و اسلام و انقلاب مطرح نیست.

۸- انحصار طلبان که همواره در صدد کسب قدرت و بانحصار خود و همفکران

- (۱۱) - وقالو کونوا هودا اونصاری تهتدوا قل بل ملة ابراهيم حنیفا وماکان من المشرکین (بقره ۳۰).
- (۱۲) - الملة الشریمة اول الذین (المعجم الوسیط ۸۸۷) الطریقه اول الشریمة والذین (التجد ۷۷۱)
- (۱۳) - الحنیف: المسائل من شر الی خیر - والصحیح البیل الی الاسلام الثابت علیه - والناسک - والذین الحنیف: المستقیم الذی لا عوج فیة وهو الاسلام (المعجم الوسیط ۲۰۳)
- (۱۴) - ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه وهذا النبی والذین امنوا والله ولی المومنین (آل عمران ۶۱)
- (۱۵) - ومن یرغب عن ملة ابراهیم الامن سفیه نفسه ولقد اصطفیناه فی الدنیا وانه فی الاخره لمن الصالحین (بقره ۱۲۶)

- (۱) - ولاتحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا... (آل عمران ۱۶۹)
- (۲) - ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله اموات... (بقره ۱۵۴)
- (۳) - بل احياء ولكن لا تشعرون (بقره ۱۵۴)
- (۴) - واذقنا ابراهیم لایبیه از ارتخذ اصناما الهه اتی اریک وقومک فی ضلال مبین (انعام ۷۴)
- (۵) - وکنلک نری ابراهیم ملکوت السموات والارض ولیکون من الموقنین - فلما جن علیه اللیل را کویا قال هذا ربی... (انعام ۷۵-۷۹)
- (۶) - و تافه لاکیدن استنامکم بعدان تولوا مدبرین - فجملهم جدا اذا الاکیر الهم لملهم الیه یرجمون (انبیاء ۵۶-۷۰)
- (۷) - ریضا اتی اسکنت من فریسی یواد غیر فی زرع عند بیتک المحرم... (ابراهم ۴۳-۴۱)
- (۸) - واذ فرغ ابراهیم القواعد من البیت واسماعیل... (بقره ۱۲۷)
- (۹) - واذ ابنتی ابراهیم ربه یکلمات فاتمه ان قال اتی جاعلک للناس اماما... (بقره ۱۲۴)
- (۱۰) - ماکان ابراهیم یهودیا ولا نصرانیا ولكن کان حنیفا مسلما وماکان من المشرکین (آل عمران ۶۰)

